

قیم کیست؟

قیم کیست؟

مطابق قانون مدنی کسانی که توانایی تصرف در امور مالی یا انجام امور غیر مالی خود را ندارند ، باید کسی را داشته باشند تا در انجام این امور به آنها کمک کند . مثلاً صغیر کسی است که به سن بلوغ نرسیده است ، یا سفیه که به سن رشد نرسیده است ، همچنین مجنون یا دیوانه که همگی محجور هستند و باید به همراه دیگری در امور مالی و غیر مالی خود تصرف کنند .

مطابق قانون مدنی این شخص در درجه اول پدر آنهاست که ولی آنها محسوب می شود . در صورتی که پدر فوت کرده باشد ، این وظیفه بر عهده جد پدری یا پدر بزرگ آنهاست و اگر او هم فوت کرده باشد ، در صورتی که پدر یا جد پدری به موجب وصیت ، شخصی را برای اداره امور آنها پیش بینی کرده باشند ، به این شخص وصی گفته می شود . اما اگر در وصیت شان وصی هم تعیین نکرده باشند ، دادگاه کسی را تعیین می کند که به او قیم می گویند تا مواظبت از شخص محجور و نمایندگی او را بر عهده بگیرد .

شرایط قیم در قانون

یکی از شرایط مهم قیمومیت، داشتن توانایی و قدرت لازم است که می‌تواند به‌عنوان اوصاف مثبت وی تلقی گردد و با توجه به لزوم شایستگی و توانایی و قدرت انجام عمل حقوقی و مدیریت صحیح جهت حفظ اموال محجور این شرط در قیم اساسی است. قیم باید در تربیت و اصطلاح حال محجور سعی و تلاش کند و در امور او، رعایت مصلحت را مدنظر داشته باشد.

لزوم داشتن توانایی و قدرت تشخیص مصلحت از مفسده در قیم حائز اهمیت است. البته منظور از توانایی قدرت جسمانی و فیزیکی نیست، ی‌امور زندگی بلکه قدرت انجام اعمال حقوقی با درایت و اداره محجور است.

دومین وصف و شرط مثبت در قیم امانت‌داری است. چنانچه طبق قانون به محضی که عدم امانت‌داری قیم ثابت شود، او از این سمت عزل می‌شود. سومین صفت مثبت قیم این است که بالغ و رشید باشد. افرادی که خود محتاج به قیم هستند، نمی‌توانند به سمت قیمومیت منصوب گردند. چهارمین وصف و شرایط قیم مسلمانی است. در حقوق اسلام ولایت کافر بر مسلم پذیرفته نشده است. بنابراین هرگاه شخص محجور مسلمان باشد، نمی‌توان قیمی غیرمسلمان برای او تعیین کرد.

شرایط عزل قیم

تعیین قیم برای رعایت مصلحت شخص محجور است، بنابراین به محض اینکه عملکرد قیم از دایره مصلحت خارج شد، دادگاه دست بکار تعویض و تغییر وی می‌شود. به عنوان مثال به محض اینکه معلوم شود قیم فاقد صفت امانت بوده یا این صفت را داشته ولی از وی سلب شده است، از قیمومت عزل می‌شود. هرگاه قیم مرتکب یکی از جرایم سرقت، خیانت در امانت، اختلاس، هتک ناموس، منافیات عفت، جرم نسبت به کودکان یا ورشکستگی شود یا اگر به هر دلیل قیم محکوم به حبس شود و نتواند امور محجور را اداره کند، یا اگر عدم لیاقت و توانایی قیم در اداره امور اموال محجور معلوم شود یا زنی بدون اجازه شوهر به قیمومت تعیین شده باشد، وی عزل می‌شود.

علاوه بر این قیم باید لااقل سالی یک مرتبه حساب تصدی خود را به دادستان یا نماینده وی ارائه دهد. اگر به این وظیفه عمل نکند، عزل می‌شود. البته اگر قیم قبل از تعیین شخص دیگری به جای وی، صورت حساب را فرستاده یا معلوم شود که تاخیر در فرستادن صورت حساب به واسطه عذر موجه بوده است ممکن است همان فرد دوباره به قیمومت تعیین شود. از دیگر موارد عزل قیم، موردی است که وی به

طور عمدی و از روی سوء نیت بعضی از اموال محجور را در صورت اموال تنظیم شده ذکر نکند. انجام هر یک از اقدامات فوق حتما به عزل قیم منتهی خواهد شد.